

## تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی<sup>۱</sup>

طاهره حاجی رحیمی\*  
محمدعلی محیطی اردکان\*\*

### چکیده

با توجه به وجود رابطه طولی علی معلولی بین اعتقادات، گرایش‌ها و رفتارهای انسان، اعتقادات انسان در گرایش‌ها و رفتارهای او تأثیرگذار است. اعتقاد به توحید در خالقیت از این مسأله مستثنا نیست. نوشتار حاضر، با روش توصیفی تحلیلی در مقام بیان چگونگی تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح رحمته الله علیه است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اعتقاد به توحید در خالقیت ابتدا در ساحت بینشی انسان تأثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که همه انسان‌ها را در خلقت، از یک مبدأ دانسته و ارزش ذاتی رفتارهای اختیاری را قرب الهی می‌داند. تغییر بینش، تغییر در گرایش را به دنبال دارد؛ زیرا بینش‌ها علت گرایش‌ها هستند. از این رو، شخص به رفتارهایی گرایش پیدا می‌کند که مناسب بیشتری با بینش او نسبت به ارزش ذاتی داشته باشد. در نتیجه، در رفتار با دیگران به گونه‌ای عمل خواهد کرد که به هدف نهایی نزدیک‌تر شود.

### واژگان کلیدی

توحید در خالقیت، اخلاق اجتماعی، بینش، گرایش، رفتار، علامه مصباح رحمته الله علیه.

---

۱. این مقاله در همایش بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در اندیشه علامه محمدتقی مصباح یزدی رحمته الله علیه پذیرش شده است.  
\*. طلبه سطح چهار مرکز تخصصی حضرت زهرا علیها السلام میبد.  
\*\*. استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸  
t.hajirahimi.71@gmail.com  
hekmatquestion@gmail.com

## مقدمه

جامع‌نگری در معارف دین و دیدن معارف دین به صورت یک مجموعه، راه‌حل بسیاری از مسائل مربوط به علوم انسانی اسلامی است. به نظر آیت الله مصباح یزدی، جامع‌نگر باید در همه جنبه‌ها تبخّر داشته باشد و همه معارف و علوم را به یکدیگر پیوند داده و معارف را به صورت یک مجموعه منسجم در نظر بگیرد تا بتواند پاسخی متقن برای مسائل متعارض داشته باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف: ۳۳). با جامع‌نگری می‌توان منشأ رفتار و اخلاق اجتماعی افراد را در اعتقادات ایشان جستجو کرد؛ زیرا میان اعتقادات و اخلاق انسان ارتباط عمیقی وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان با تقویت باورها و اعتقادات، رفتارهای فرد را اصلاح کرد و آنها را در جهت مطلوب سوق داد. آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله معتقدند که سه‌بخش اسلام یعنی اخلاق، اعتقادات و احکام از یکدیگر جدا نیستند. به نظر ایشان خداپرستی نباید تنها در سجده دیده شود بلکه باید در تمامی فضاهای اجتماعی، معاشرت‌ها، تربیت‌ها، مناسبات انسانی و مسئولیت‌ها دیده شود. (همان: ۳۶)

مسائل اخلاقی مسائلی‌اند که محورشان رابطه انسان با خداوند، خود، دیگران و محیط زیست است. اخلاق اجتماعی که نوع سوم رابطه را در برمی‌گیرد، یکی از حوزه‌های علوم انسانی اسلامی است. همان‌گونه که بیان شد علامه مصباح یزدی رحمته‌الله معتقدند که باید نگرشی جامع داشت و رفتار هر فرد را با تقویت یا اصلاح اعتقاداتش، اصلاح و هدایت کرد. بنابراین اعتقاد به توحید در خالقیت نیز بر اخلاق اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد.

شایان ذکر است که کتاب‌های مختلفی از قبیل مبانی علوم انسانی اسلامی (شریفی، ۱۳۹۳) و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰) و مقالاتی مثل کاربست توحید ربوبی در تربیت انسان از منظر قرآن (محمدی، حسینی کوهساری، موسوی‌مقدم، ۱۳۹۵، تحقیقات کلامی، ش ۱۴، ص ۶۳ - ۸۰) و نقش توحیدگرایی در تربیت اخلاقی براساس دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله (نجفی، دهقان، قنطاق‌سازان، ۱۳۹۹، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۱۴، ص ۵۲ - ۲۷) و نقش اعتقاد به خدا در معنابخشی به زندگی (احمدوند، طاهری، ۱۳۹۴، تحقیقات کلامی، زمستان ۱۳۹۴، ش ۱۱، ص ۷) به رشته تحریر در آمده‌اند که نقش اعتقاد به خداوند را در زندگی تبیین می‌کنند؛ ولی هیچ‌کدام به صورت اختصاصی به دیدگاه علامه مصباح یزدی رحمته‌الله درباره تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی انسان نپرداخته و آن را تحلیل نکرده‌اند. مقاله حاضر برای پی بردن به چگونگی تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی افراد از منظر علامه مصباح یزدی رحمته‌الله، به روش توصیفی - تحلیلی به رشته

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۱۹

تحریر در آمده است. براساس منظومه فکری ایشان می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که اعتقاد به توحید در خالقیت در یک رابطه طولی، ابتدا بر نگرش و سپس بر روی گرایش فرد تأثیر می‌گذارد و در مرحله بعد، رفتار او را تغییر می‌دهد. به نظر می‌رسد مراتب دیگر توحید مانند توحید در عبادت و توحید در ربوبیت نیز بر اخلاق اجتماعی تأثیر مشابه داشته باشند؛ اما رسالت مقاله حاضر آن است که نشان دهد چگونه اعتقاد به توحید در خالقیت می‌تواند بر اخلاق اجتماعی تأثیرگذار باشد.

### مفهوم‌شناسی

قبل از پرداختن به چگونگی تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی، مفاهیم توحید در خالقیت، اخلاق اجتماعی و علوم انسانی اسلامی، تبیین می‌شود.

#### ۱. توحید در خالقیت

توحید به معنای یکی دانستن و یکی شمردن خداوند است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸: ۵۸) و توحید در خالقیت یعنی فقط خداوند، خالق است (همو، ۱۳۸۲: ۲ / ۴۳۳). علامه مصباح یزدی رحمته با تأکید بر یکی از اصول حکمت متعالیه؛ یعنی، عین ربط بودن معلول نسبت به علت هستی‌بخش خود، توحید در خالقیت را این‌گونه تبیین می‌کنند:

هر علتی نسبت به معلول خودش از نوعی استقلال نسبی برخوردار است، اما همگی علت‌ها و معلول‌ها نسبت به خدای متعالی عین فقر و وابستگی و نیاز هستند و هیچ‌گونه استقلالی ندارند. از این‌رو خالقیت حقیقی و استقلالی، منحصر به خدای متعالی است و همه موجودات در همه شئون خودشان و در همه احوال و ازمنه، نیازمند به وی می‌باشند و محال است که موجودی در یکی از شئون هستی‌اش بی‌نیاز از وی گردد و بتواند مستقلاً کاری را انجام دهد. (همان: ۴۴۶)

خالقیت به معنای وجودبخشی است. علامه مصباح یزدی رحمته افاضه وجود به معنای حقیقی را مختص به خداوند و سایر علت‌ها را مجاری افاضه وجود می‌داند که نقش واسطه را بین خداوند و مخلوقات ایفا می‌کنند. ایشان به توجه به این حقیقت که «لا مؤثر فی الوجود الا الله»، افاضه وجود که همان خالقیت است را مختص به خداوند می‌داند (همان: ۴۴۵ - ۴۴۹).

#### ۲. اخلاق اجتماعی

براساس یک دسته‌بندی می‌توان اخلاق را به چهار دسته فردی، اجتماعی، الهی و محیط زیستی دسته‌بندی

کرد که به ترتیب با در نظر گرفتن رابطه انسان با خود؛ انسان‌های دیگر؛ خداوند و محیط زیست به دست می‌آید. بنابراین منظور از اخلاق اجتماعی در این پژوهش، صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری قابل ستایش یا نکوهش انسان در رابطه فرد با انسان‌های دیگر است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ ب: ۱۹ - ۱۸)

این مقاله در پی تحلیل این نکته است که چگونه از نظر ایشان اعتقاد به توحید در خالقیت، بر اخلاق اجتماعی فرد تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد با دقت در رابطه طولی بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای انسان، می‌توان به تحلیلی جامع در این خصوص دست یافت.

### تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر بینش

اعتقادات هر فرد بر نوع نگرش او نسبت به دیگر مسائل نظری تأثیرگذار است و به عبارت دیگر، بین آنها رابطه ضروری علی معلولی برقرار است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ ب: ۲۶) اعتقاد به توحید در خالقیت، علت است و تغییر نگرش انسان، معلول ضروری آن به حساب می‌آید. براساس این، نگرش فردی که معتقد به توحید در خالقیت است با فردی که چنین اعتقادی ندارد، متفاوت خواهد بود. برای نمونه، از ثمرات اعتقاد به توحید در خالقیت، تغییر نگرش فرد به ارزش‌هاست؛ چراکه «اعتقاد هر فرد در مبنای ارزش‌گذاری او تأثیرگذار است». (همو، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

فردی که به توحید در خالقیت باور داشته باشد، ارزش اصلی را پول، مسکن و مقام نمی‌داند؛ زیرا می‌داند که هیچ‌کدام از این موارد متعلق به خودش نیست و نسبت به آنها مالکیت استقلال‌ی و حقیقی ندارد، بلکه همه آنها از خداست. پس اگر روزی آنها را از دست بدهد، ناراحت نمی‌شود؛ زیرا مادیات را فی‌نفسه ارزش نمی‌داند بلکه به ارزش ذاتی و اصیل باور دارد که همان قرب به خداست. در نظر چنین شخصی، همه افراد از یک ریشه هستند و رنگ پوست، نژاد، قبیله و مانند اینها ارزش به حساب نمی‌آیند؛ زیرا همه را مخلوق خداوند و تفاوت‌ها را ابزاری برای شناخت یکدیگر، اداره بهتر زندگی اجتماعی و رسیدن به ارزش اصلی می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف: ۱۰۹)

افزون بر این اعتقاد به توحید در خالقیت در شناخت راه رسیدن به کمال و معرفت حضوری به خداوند نقش دارد. از راه علم حضوری نفس به خود و افعال و انفعالاتش می‌توان نقش مزبور را تبیین کرد. توضیح آنکه، هر چیزی که انسان را از خودپرستی و شرک به خداوند دور کند در جهت رسیدن او به کمال واقع می‌شود. براساس این، هرچه اعتقاد انسان به توحید در خالقیت محکم‌تر باشد و تأثیر استقلال‌ی دیگران را قبول نداشته باشد، موجب تقویت رابطه او با خداوند و معرفت حضوری به خداوند می‌شود؛ زیرا هرچه انسان ربط و وابسته بودن نفس را درک کند و علم حضوری بیشتری

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۲۱

نسبت به نفس به دست بیاورد، شناخت بهتری از خداوند برایش حاصل می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳ الف: ۲۰۹) بنابراین، این شخص کمال حقیقی را قرب به خداوند می‌داند؛ زیرا در راستای معرفت حضوریش به خداوند است.

حبّ به خداوند ثمره معرفت حضوری نسبت به خداوند است. بنابراین شخص معتقد به توحید در خالقیت چون قرب به خداوند را کمال اصلی می‌داند، پس محبت به خداوند را نیز بر محبت به مخلوقات هنگام تزاحمات ترجیح می‌دهد تا از این طریق به کمال اصلی نایل شود.

### تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر گرایش

باور به توحید در خالقیت افزون بر تأثیرات بینشی، گرایش فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا بین باورهای انسان و گرایش‌های او رابطه طولی برقرار است. وقتی انسان فعلی را تصور و سپس تصدیق کرد، شوق به آن فعل در نفسش ایجاد می‌شود. بنابراین تصور و تصدیق، مقدمه شوق هستند. بدین‌سان می‌توان گفت که بینش، بر گرایش تأثیرگذار است. برای نمونه، این تأثیر را در حوزه‌های زیر می‌توان نشان داد:

#### ۱. جهت‌دهی به لذت‌ها

از جمله تأثیرات گرایشی اعتقاد به توحید در خالقیت، جهت‌دهی به لذت‌هاست. شوق و میل انسان نسبت به چیزی نشان‌دهنده لذت او از آن است. لذت بردن از چیزی سبب گرایش به آن می‌شود. گرایش نیز معلول بینش است، بنابراین بینش انسان بر جهت‌دهی به لذت‌ها نقش دارد.

از نظر علامه رحمته‌الله «لذت‌ها گاهی معنوی و گاهی ظاهری است. لذت‌های معنوی، لذت‌هایی است که در ظاهر لذتی در افعال وجود ندارد ولی به علت اطاعت از خداوند، آن افعال انجام می‌شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف: ص ۷۹). کسی که تمام اموال خود را مخلوق خداوند می‌داند به آسانی آنها را در راه اطاعت خداوند می‌بخشد؛ او لذت اصلی را همان رضایت خداوند می‌داند، حتی اگر خود به سختی بیفتد. آیه ۲۷۲ سوره بقره به این موضوع اشاره کرده: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ». در مورد جمله «وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ» دو نظر وجود دارد. برخی مفسران جمله را به صورت نهی (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵ / ۱۱۴) و برخی به صورت اخباری معنا می‌کنند. (طباطبایی،

۱۳۹۰: ۲ / ۳۹۸؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱: ۲ / ۳۴۹)

اگر قول اخباری بودن جمله را بپذیریم، تأثیر گرایشی اعتقاد روشن می‌شود؛ زیرا در آیه پیش گفته که مؤمنان به دلیل جلب رضایت خداوند انفاق می‌کنند؛ زیرا برای مؤمنان رضایت خداوند هدف اصلی و علت غایی افعال به‌شمار می‌رود. اعتقاد به خالقیت خداوند، به این معناست که خداوند، خالق هر چیزی اعم از موجودات و کمالات آنهاست. با توجه به اینکه خداوند کامل مطلق و معطی هر نوع کمال وجودی است، فردی که خداوند را خالق کمالات و او را کمال مطلق بداند، به کمالاتی گرایش پیدا می‌کند که در راستای کمال مطلق باشد. به‌همین دلیل لذت‌هایی را برمی‌گزیند که او را به کمال مطلق نزدیک کند. از این‌روست که لذت‌های معنوی را بر لذت‌های ظاهری ترجیح می‌دهد.

## ۲. گرایش به کمال نهایی

کمال‌جویی از ویژگی‌های فطری نفس انسان است؛ بنابراین انسان خواهان تکامل بیشتر نسبت به روز قبل است. خداوند برای اینکه انسان با اعمال اختیاری خودش به کمال برسد چنین گرایش فطری را به انسان عطا کرد. «اگر انسان، کمال جو نبود، هیچ فعلی را انجام نمی‌داد، زیرا انگیزه‌ای برای انجام فعل نداشت». (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ الف: ۳۰)

نفس انسان معلول خداوند است بالتبع شئون نفس نیز معلول خداوند است؛ زیرا شئون نفس عین نفس است. نفس با مادون خود ارتباط دارد. بعضی شئون نفس در رابطه با خود فرد، بعضی با اجتماع و بعضی در رابطه با خداوند است؛ پس نفس شئون مختلفی دارد که از طریق این شئون به کمال می‌رسد. (همو، ۱۳۹۳ ب: ۱۴۰)

علامه رحمته‌الله، علت حبّ به کمال نفس را حبّ به ذات می‌داند و حبّ به کمال باعث حبّ به هر چیزی می‌شود که نفس انسان را به کمال می‌رساند. (همان: ۱۳۰؛ گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۷۶) بنابراین نفس انسان به هر فعلی که باعث کمال می‌شود تمایل پیدا می‌کند؛ رعایت اخلاق اجتماعی و نحوه برخورد فرد با دیگران از جمله راه‌های رسیدن به کمال است.

کمال نهایی انسان بسته به اعتقادات او متفاوت می‌شود. فردی که اعتقاد به خداوند خالق دارد، کمال نهایی انسان را قرب به خدا می‌داند. (همان: ۱۷۰) چون انسان عین ربط به خداوند است، حبّ به ذات به‌عنوان دلیل کمال‌خواهی که در نفس و فطرت انسان وجود دارد، نیز معلول خداوند است. پس کمال نهایی انسان تقرب به خداست. منظور از قرب، قرب مکانی یا زمانی نیست؛ زیرا هیچ‌گاه انسان با خداوند رابطه مکانی و زمانی ندارد. رابطه زمانی و مکانی در صورتی شکل می‌گیرد که دو طرف محدود به مکان و زمان باشند درحالی‌که در مورد خداوند صادق نیست. قرب یک امر اعتباری نیست و منشأ

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۲۳

تکوینی نیز ندارد. بلکه منظور از قرب این است که روح انسان در اثر انجام اعمالی رابطه و جودی قوی‌تری با خداوند پیدا کند که همان علم حضوری به خداوند است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۲۱ - ۱۲۰) در اثر همین اعتقاد است که انسان در رفتارهای اجتماعی‌اش، کمال خودش را که همان قرب الهی در نظر می‌گیرد و اموری مانند منزلت اجتماعی برایش موضوعیت و ارزش ذاتی ندارد.

### ۳. گرایش به رفتارهای مثبت اجتماعی

توجه نفس به نیت خاصی، سبب تقویت و رسوخ آن در نفس و منشأ توجهات دیگر می‌شود؛ اگر نفس انسان معتقد به چیزی باشد، می‌تواند در نفس رسوخ کرده و به صورت ملکه در آمده و در نفس ثابت شود. در این صورت نفس از عوامل خارجی تأثیر نمی‌پذیرد و فقط با توجه به نیت تثبیت شده در وجودش افعال را انجام می‌دهد. «بنابراین عروج یا فرود نفس بستگی به ملکات او دارد. لذا باید سعی کرد که تمام توجه را به سوی کمال مطلق و خالق یکتا معطوف کرد». (همان: ۱۶۰ - ۱۵۶)

شخصی که معتقد به توحید در خالقیت باشد و تمام توجه نفس او به خالق خودش باشد، این اعتقاد در او به حدی قوی می‌شود که به صورت ملکه در می‌آید، بنابراین شرط لازم تلاش برای انجام افعال در راستای اعتقاد راسخس فراهم می‌شود و البته با فراهم بودن دیگر مقدمات لازم، رفتار صادقانه در او به حالت ملکه در می‌آید.

می‌توان این تأثیر را طبق تبیین خطی کنش‌های انسان این‌گونه تبیین کرد که برای انجام هر فعل ابتدا باید تصور و سپس تصدیق نسبت به آن فعل در نفس انسان ایجاد شود. تصور و تصدیق منجر به شوق و در نهایت شوق مؤکد و سپس اراده بر انجام آن فعل می‌شود. تصور و تصدیق همان بینش انسان است. یکی از بینش‌هایی که از اعتقاد به توحید در خالقیت نشئت می‌گیرد، اینکه قرب به خداوند کمال نهایی انسان است. این بینش، منجر به شوق و سپس شوق مؤکد به انجام افعال می‌شود که در پی آن اراده بر انجام افعال در نفس انسان به وجود می‌آید. بنابراین چنین شخصی افعالی را اراده می‌کند که در راستای تصور و تصدیقش باشد در غیر این صورت مخالف با تبیین عقلی خطی کنش‌های انسانی است. پس به رفتارهای مثبت گرایش پیدا می‌کند و آن را اراده می‌کند.

پس روشن می‌شود که میان اعتقادات و اخلاق، پیوند وجود دارد. از این رو، می‌توان برای اصلاح اخلاق و رفتار فرد، اعتقادات او را اصلاح یا تقویت کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۷ الف: ۳۶). یا در مقابل برای انحراف اخلاقی افراد، تغییر و منحرف کردن باورهای آنها کارساز خواهد بود، زیرا طبق رابطه طولی یادشده، اعتقادات هر فرد بر اراده او تأثیر می‌گذارد و چون اراده انسان منشأ انجام افعال

انسانی است، اعتقادات او بر روی اخلاق فردی و اجتماعی‌اش اثرگذار خواهد بود.

در روایات نیز به این رابطه طولی و خطی کنش‌های انسان اشاره شده است. برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ علت ترس از خداوند را شناخت نسبت به خداوند می‌دانند: «مَنْ كَانَ بِاللَّهِ أَعْرَفَ كَانَ مِنَ اللَّهِ أَحْوَفَ؛ آن کس که به خدا داناتر باشد او از وی ترسان‌تر خواهد بود» (شعیری، بی‌تا: ۹۶). بنابراین بین شناخت و معرفت به خداوند و افعال و اخلاق انسان رابطه مستقیم وجود دارد. اگر فردی خدا را بشناسد خود را نیز می‌شناسد؛ آیه ۱۹ سوره حشر بیان‌کننده تلازم بین خودشناسی و خداشناسی است. براساس این آیه، انسان در صورت فراموشی خدا، خود را نیز فراموش می‌کند و همین باعث گرفتار شدن به کارهای لَهو می‌شود، درحالی‌که خودشناسی مانع از مشغول شدن به کارهای لَهو و لغو می‌شود؛ زیرا فقط در صورت توجه، انسان می‌تواند کار درست و شایسته را انجام دهد، همان‌گونه که غفلت، آینده انسان را خراب می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲ / ۹۲ - ۹۰)

بنابراین شخص معتقد به توحید در خالقیت، کمال خود را تقویت علم حضوری به خداوند و قرب به خداوند می‌داند. رسیدن به کمال نهایی و قرب خداوند از طریق افعال اختیاری برای انسان ممکن می‌شود. (همو، ۱۳۸۳: ۱۳) پس شخص، افعال اختیاری خود را به گونه‌ای جهت‌دهی می‌کند که از طریق آن به کمال نهایی برسد و برای محقق شدن این هدف، روابط فردی و اجتماعی خود را مقدمه رسیدن به هدف قلمداد می‌کند، بنابراین از رابطه و شئونی که در اجتماع با دیگران دارد برای رسیدن به کمال نهایی استفاده می‌کند و همین امر منجر به گرایش به رفتارهای مثبت اجتماعی می‌شود؛ زیرا زمینه قرب به خداوند را فراهم می‌کند. (همو، ۱۳۹۳ ب: ۱۲۲)

براساس تحلیلی که درباره چگونگی تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی ارائه شد، تأثیر مزبور را در برخی مصادیق آن بدین شرح می‌توان نشان داد:

#### یک. اخلاق بینشی

اخلاق اجتماعی شامل بینش، گرایش و رفتار خاصی نسبت به دیگران است. مقصود از اخلاق بینشی، آن جنبه از اخلاق است که ناظر به نوع بینش فرد نسبت به دیگران می‌باشد:

#### الف) علم به تقدم خواست خداوند بر خواست دیگران

فردی که خداوند را بشناسد و او را خالق بداند، نمی‌تواند به خداوند محبت نرزد؛ زیرا محبت از طریق درک کمال محبوب به وجود می‌آید، چون خداوند کامل است، باید محبت اصلی به او تعلق بگیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ب: ۱ / ۵۲۸) و هنگامی که بین محبت خداوند و مخلوق تراحم صورت بگیرد



تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۲۵

محبت خداوند را انتخاب می‌کند، چون می‌داند هیچ موجودی جز خداوند هیچ نوع استقلالی از خودش ندارد و هر کمال و جمالی که در مخلوقات است عاریتی است. بنابراین محبت به خداوند باید غالب باشد و محبت مخلوق نباید مؤمن را از محبت به خداوند باز دارد. در نتیجه، اگر انسانی محبت واقعی و اصیل به خداوند داشته باشد، می‌داند که باید خواست خداوند را ترجیح دهد (همو، ۱۳۹۴ الف: ۱ / ۳۲۷).

#### ب) علم به منشأ خیر حوادث

اعتقاد به توحید در خالقیت به معنای حب به خالقیت خداوند و مخلوقات است؛ زیرا تا محبت و شوق به چیزی وجود نداشته باشد، اعتقاد به آن نیز به وجود نمی‌آید. درحقیقت اعتقاد به معنای ایجاد ظهور تصدیقی به چیزی است. ظهور تصدیقی مقدمه‌ای به نام شوق دارد. به نظر علامه کسی که محب خداوند است، راضی به قضا و قدر الهی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ب: ۲ / ۹۱) و می‌داند که همه حوادث منشأ خیر دارد پس چنین شخصی می‌داند که نباید هنگام از دست دادن نعمت‌ها، شکوه و گلایه کند بلکه باید صبر پیشه کند.

به بیانی دیگر، اگر انسان این معرفت و بینش را به دست بیاورد که نه تنها تمام نعمت‌ها و داشته‌هایش، بلکه اصل وجودش هم از خداست و خداوند آن را خلق کرده است، آنها را معلول خداوند دانسته و می‌داند که خداوند هرگاه بخواهد عطا می‌کند و هرگاه بخواهد و حکمتش اقتضا کند باز پس می‌گیرد. (همو، ۱۳۹۱ ب: ۱۹۹)؛ زیرا تمام افعال خداوند هدفمند بوده و خداوند هیچ کار لغوی را انجام نمی‌دهد، بنابراین براساس همین بینش و معرفت و علم به حکیمانه بودن افعال خداوند است که فرد معتقد به توحید در خالقیت، منشأ تمام حوادث را خیر و صلاح خود می‌داند.

#### ج) حکیمانه دانستن استعدادهای دیگران

یکی از رفتارهای نادرست افراد، داشتن حس حسادت نسبت به افراد برتر از خود است که ناشی از ناعادلانه دانستن برخورداری دیگران از استعداد است. درحالی‌که فرد معتقد به توحید در خالقیت، تمام این توانایی‌ها و تفاوت‌ها را نیز مخلوق خداوند می‌داند؛ زیرا یکی از لوازم توحید در خالقیت، خلقت دائمی ولی متفاوت از یکدیگر است، اگر خلقت‌ها یکسان باشد بسیاری از نیازهای افراد برطرف نمی‌شود. افزون بر این اعتقاد به توحید در خالقیت خداوند ملازم با حکیم دانستن خداوند است. شخصی که خداوند را تنها آفریننده مستقل و حکیم بداند، تفاوت‌های موجود در استعدادها را هدفمند و لازمه وجود دنیا می‌داند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ د: ۲۱۵)

به عبارت دیگر، چون خداوند تنها خالق جهان است پس به تمام ابعاد و زوایا و ظرفیت‌های انسان

نیز علم دارد و طبق ظرفیت‌های هر انسانی به او توانایی عطا می‌کند. بنابراین با این اعتقاد، مجال برای حسادت به دیگران باقی نمی‌ماند.

### دو. اخلاق گرایشی

اخلاق گرایشی، آن بُعد از اخلاق اجتماعی است که به صورت گرایش تمثیل پیدا می‌کند و ناظر بر گرایش و نشئت‌گرفته از بینش انسان است:

#### الف) تقویت گرایش به عفت و پاکدامنی

فردی که توحید در خالقیت را باور داشته باشد و خداوند را تنها خالق جسم و فطرت خود بداند، گرایش‌هایی را قبول دارد که در راستای اعتقاد و باورش و سازگار با فطرتش باشد، زیرا گرایش‌ها برخاسته از باورهاست. به‌همین دلیل گرایش‌های فرد مادی‌گرا با گرایش‌های فرد خدا‌باور می‌تواند متفاوت باشد. فردی که توحید در خالقیت را باور داشته باشد به گرایش‌های فطری خود توجه دارد، زیرا خودش و فطرتش را مخلوق خداوند می‌داند، درحالی‌که شخص مادی‌گرا به دلیل اینکه به خالقیت خداوند معتقد نیست و ماده را دلیل اصلی وجود خودش می‌داند، به افعال و گرایشاتی تمایل پیدا می‌کند که مطابق با عقیده خودش باشد.

گرایش‌های فطری گرایشی است که نوع خلقت انسان آن را اقتضا می‌کند و خدادادی و مشترک بی‌ن انسان‌هاست (مصباح‌ی زدی، ۱۳۹۸: ۳۶). گرایش مرد به زن یکی از گرایش‌هایی است که خداوند در فطرت انسان‌ها قرار داده است. شخص معتقد به توحید در خالقیت گرایش‌های فطری خود را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که مطابق با باور و اعتقادش باشد. بنابراین از گرایش‌های غیرفطری یعنی گرایش مرد به مرد و زن به زن دوری می‌کند، زیرا اینها را مخالف با فطرت پاک خود می‌داند. (همو، ۱۳۹۴ الف: ۲ / ۲۱۰)

در مقابل افرادی که توحید در خالقیت را باور ندارند، به امور مخالف فطرت خود گرایش پیدا می‌کنند؛ زیرا توجه ندارند که خودشان و فطرتشان مخلوق خداست. آیه ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره شعراء به این مطلب اشاره کرده است: «أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ \* وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ». در این دو آیه علت گرایش (مردان) به مردان را روی‌گردانی از آن چیزی می‌داند که خداوند برایشان خلق کرده است.

#### ب) انقطاع از دیگران

ازجمله گرایش‌های فرد معتقد به توحید در خالقیت، گرایش به کمال‌نهایی است. چینی شخصی برای اینکه به قرب خداوند برسد از امور متعارض با این گرایش دوری می‌کند. بنابراین در صورت

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۲۷

نیازمندی و فقر، عزت خود را حفظ کرده و جلوی دیگران دست دراز نمی‌کند؛ زیرا می‌داند اگر در برابر دیگران اظهار نیاز کند این کار تبدیل به عادت شده و به دیگران وابسته می‌شود. آیه ۲۷۳ سوره بقره از مؤمنینی صحبت می‌کند که فقر و نیازمندی خود را آشکار نمی‌کنند. از جمله دلایل ذکر شده برای این کار عزت‌طلبی و کسب رضایت خداوند بیان شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۶۶۶؛ ابوحنیف، ۱۴۲۰: ۲ / ۶۹۶) بنابراین این شخص از اظهار نیاز پرهیز می‌کند.

به نظر علامه رحمته‌الله انسان معتقد به توحید در خالقیت، خودش و دیگران را ربط و بنده خداوند می‌داند و برای خود و دیگران استقلالی در نظر نمی‌گیرد. بنابراین هیچ‌گاه به دیگری اظهار نیاز نمی‌کند؛ زیرا او نیز وابسته و ربط به خداست و برای رفع نیازش به خداوند محتاج است. پس بهتر است انسان در پیشگاه کسی اظهار نیاز کند که نیاز به وجودبخش ندارد و مستقل از دیگران است. این شخص می‌داند که خدایی که خالق روزی امروز او بوده، فردا هم روزی او را می‌دهد؛ بنابراین هیچ‌گاه، غم روزی فردایش را نمی‌خورد و دستش را جلوی دیگران دراز نمی‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۶: ۲ / ۳۵۳ - ۳۵۴)

با این نگاه توحیدی، شخص، چشم امید به دیگران ندارد، زیرا فردی به دیگران چشم امید دارد که خود را وابسته و معلول دیگران و دیگران را وجودبخش خودش بداند. این شخص می‌داند که آنها از خودشان چیزی ندارند که به او بدهند. این فرد با این اعتقاد اگر کاری هم برای دیگران انجام دهد از آنها توقع پاداش ندارد؛ زیرا وجود آنها عین ربط به خداوند است (همو، ۱۳۹۴ ج: ۱۷۱). افزون‌براین، شخصی که معتقد به توحید در خالقیت باشد، می‌داند که خداوند تنها کسی است که می‌تواند او را از داشتن نعمتی محروم کند نه یک مخلوق دیگر؛ زیرا آن مخلوق نیز وجودش را از خداوند دارد در این صورت تنها از خداوند می‌ترسد (همو، ۱۳۹۴ الف: ۱ / ۳۵۷)

### سه. اخلاق رفتاری

تاکنون روشن شد که اخلاق اجتماعی می‌تواند در ابعاد بینشی و گرایشی انسان نسبت به افراد دیگر تعریف شود. در ادامه به بُعد سوم اخلاق اجتماعی یعنی اخلاق رفتاری که ناظر به رفتارهای انسان در برابر دیگران است می‌پردازیم؛ رفتارهایی که برخاسته از نوع بینش با واسطه گرایش‌های انسان و طبیعتاً سازگار با آنهاست:

### الف) مسئولیت‌پذیری اجتماعی

از آثار رفتاری اعتقاد به توحید در خالقیت که از بینش نشئت گرفته، احساس مسئولیت نسبت به دیگران است. انسان وقتی به توحید در خالقیت، باور داشته باشد و معتقد شود که وجود خودش و همه

نعمت‌ها و دارای‌هایش از خداست، در مقابل خداوند احساس مسئولیت می‌کند. احساس مسئولیت در برابر خداوند درحقیقت احساس مسئولیت در برابر مخلوقات است؛ زیرا آفریده خداوند هستند و «در اسلام مصلحت جمع مقدم است؛ چون همه مردم بنده خدا هستند و همه بشر آفریده شده‌اند تا از نعمت‌ها برای رسیدن به کمال استفاده کنند». (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۳۹)

بنابراین فرد در مقابل خودش و اجتماع مسئول است. هر فردی از افراد جامعه نسبت به یکدیگر حقوقی دارند و این حقوق از خداست و خداوند این حقوق را برای انسان‌ها قرار داده است. پس هر یک از افراد درحقیقت مسئول خداوند هستند، در عین اینکه مسئول جامعه نیز هستند. بدین‌سان هر فرد، وظیفه دارد علاوه بر اندیشیدن در مورد مصالح خویش، به مصالح دیگران نیز بیندیشد. تنها در این صورت است که به مسئولیت خود در برابر خداوند عمل کرده است. (همو، ۱۳۹۳ ب: ۱۷۹؛ همو، ۱۳۹۱ الف: ۱۴۳)

یکی از مصادیق مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تعاون و همکاری با افراد جامعه است؛ زیرا ازجمله بینش‌هایی که اعتقاد به خالقیت به دنبال دارد، این است که قرب به خداوند به‌عنوان کمال‌نهایی انسان شناخته می‌شود. فردی که خود را نسبت به مصالح دیگران مسئول بداند، تنها برای رسیدن خود به هدف و کمال‌نهایی تلاش نمی‌کند، بلکه به دیگران برای رسیدن آنها به هدف اصلی آفرینش و قرب خداوند کمک می‌کند.

#### ۱. تعاون و همکاری با دیگران

یکی از گرایش‌های فطری و احکام عقلی، راحت‌طلبی و تأمین منافع و مصلحت‌های فردی است که موجب می‌شود هر انسانی در پی تأمین مصالح خویش باشد. ولی بدین‌معنا نیست که عقل از حوزه فردی فراتر نرود، بلکه عقل نیرویی است که می‌تواند درباره خواسته‌های اجتماعی نیز بیندیشد و مصالح کل جامعه را در نظر گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۳ / ۱۲۵) شخصی که معتقد به توحید در خالقیت باشد علاوه بر اهمیت به مصالح و منافع خویش به مصالح و منافع دیگران نیز اهمیت می‌دهد؛ زیرا همه را در مخلوق بودن و هدفمند بودن خلقتشان یکسان می‌داند. فرد معتقد به توحید در خالقیت، هدف آفرینش را تأمین مصالح یک یا چند فرد نمی‌داند؛ بلکه هدف الهی را به کمال رسیدن همه افراد می‌داند؛ چون همه را مخلوق خداوند می‌داند.

ثمره اعتقاد به توحید در خالقیت و عمومی بودن آفرینش این است که همان‌طور که شخص برای تأمین منافع خود از دیگران استفاده می‌کند، دیگران نیز حق متقابل دارند که برای رسیدن به هدف و

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۲۹

کمال نهایی از او استفاده کنند. این شخص به دیگران برای رسیدن به اهدافشان کمک می‌کند، زیرا هدف خداوند از خلقت را به کمال رسیدن همه می‌داند نه فقط خودش.

تحمل نامالایمات ناشی از رفتار از دیگران، اثر دیگر اعتقاد به توحید در خالقیت است؛ زیرا لازمهٔ مسئولیت‌پذیری در قبال افراد جامعه و تعاون با آنها، تحمل نامالایمات رفتاری آنها است.

## ۲. تحمل نامالایمات رفتاری دیگران

فرد معتقد به توحید در خالقیت، علاوه بر اینکه خودش و نعمت‌هایش را ربط به خداوند و مخلوق خداوند می‌داند، به این مسئله نیز توجه دارد که این نعمت‌ها به دست خود انسان‌ها به یکدیگر می‌رسد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ پ: ۲ / ۱۱۹) واسطه شدن انسان‌ها در وصول نعمت‌ها به یکدیگر، هیچ اشکالی به قادر مطلق بودن خداوند وارد نمی‌کند؛ زیرا خود خداوند، این مسئولیت را به انسان‌ها واگذار کرده و انسان‌ها را برای یکدیگر نعمت قرار داده است. آنها باید در یکدیگر تأثیر و تأثر داشته باشند؛ هر یک به دیگری نفعی برساند، البته در جهت تکامل فرد مقابل.

بنابراین انسان‌ها باید با یکدیگر تعامل داشته باشند تا هدف زندگی اجتماعی تأمین گردد. چنانچه این مهم تحقق نیابد، درواقع نقض غرض شده است؛ به بیانی دیگر اعتقاد به توحید در خالقیت به معنای همسان دانستن اهداف همهٔ مخلوقات است؛ زیرا خداوند که خالق هست، به‌طورقطع، برای همهٔ مخلوقات، رسیدن به کمال را به‌عنوان هدف نهایی در نظر گرفته است و همهٔ افراد باید به این هدف دست پیدا کنند، بنابراین مقتضی است که هرکس برای رسیدن به هدفش از دیگران استفاده کند. (همو، ۱۳۹۴ الف: ۳ / ۱۲۶)

ممکن است افراد در ارتباط با دیگران نامالایماتی را مشاهده کنند ولی چون اعتقاد دارند که این نعمت‌ها از خداست و این نعمت‌ها به‌وسیلهٔ خود انسان‌ها به یکدیگر می‌رسد نامالایمات را تحمل می‌کنند. آنها می‌دانند همان‌طور که از دیگران برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند، دیگران نیز از او استفاده می‌کنند تا به اهدافشان دست پیدا کنند. ممکن است در این بهره‌وری نامالایماتی وجود داشته باشد ولی باید این نامالایمات را تحمل کرد تا به هدف رسید؛ زیرا لازمهٔ زندگی دنیا و نایل شدن به اهداف وجود تراحم است. (همو، ۱۳۹۴ پ: ۲ / ۱۸۸).

## ب) احسان و انفاق

انفاق و احسان رفتاری است برخاسته از بینش انسان نسبت به ارزش‌ها و جهت‌دهی به ارزش‌هاست. شخصی که لذت اصلی را رضایت خداوند بداند به دیگران انفاق و احسان می‌کند؛ زیرا می‌داند از

طریق احسان و انفاق رضایت خداوند را به دست می‌آورد هرچند از طریق احسان چیزی را از دست بدهد. «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / ۲۶۵). در این آیه کسب رضایت خداوند، علت انفاق شمرده شده است. بنابراین فرد معتقد به توحید در خالقیت برای کسب رضایت الهی و قرب به خداوند به دیگران انفاق می‌کند.

خلق کردن به معنای وجودبخشی است. خداوند خالق و وجودبخش به انسان و همه دارایی‌هایش است. بنابراین انسان از خود چیزی ندارد و عین ربط و نیاز به خداوند است. شخصی که این نگاه را به خودش و دارایی‌هایش داشته باشد، هنگام شک در انفاق و عدم انفاق، انفاق را برمی‌گزیند؛ زیرا دارایی‌هایش را عاریتی دانسته و می‌داند که خداوند خالق خودش و دارایی‌هایش است و هر زمان که اراده کند قادر است او را از داشتن نعمت وجود و مادیات محروم کند. چنین شخصی علم دارد که هرآنچه که با زحمت و نیرو به دست آورده است از آن خودش نیست؛ چون قدرت و توانایی بر انجام افعال نیز مخلوق خداست و خداوند به او عطا کرده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ پ: ۱۹۵)

#### ج) تواضع

از ثمرات رفتاری نشئت گرفته از بینش انسان، تواضع نسبت به دیگران است. در آیه

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا. (فرقان / ۶۳)

و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی و بدون تکبر راه می‌روند، و چون نادانان ایشان را مورد خطاب قرار دهند و سخنان نابخردانه گویند به ملائمت پاسخ می‌دهند.

یکی از ویژگی‌های بندگان، تواضع معرفی شده و در آیه لفظ «عبد» به کار گرفته شده است. علامه مصباح<sup>۱۱</sup> عبودیت در فلسفه را به معنای نفی هرگونه استقلال از انسان تعریف می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۴) که بیانی دیگر از توحید در خالقیت است.

یکی از امور ناسازگار با عبد بودن، تکبر است. کسی که عبد و بنده است، عین ربط به طرف ربط یعنی خداوند است. کسی که خود را عین ربط به خداوند بداند؛ همه دارایی خود را نیز ربط به خداوند می‌داند و چیزی برای خود قائل نیست؛ زیرا همه آنها را مخلوق و نعمت خداوند می‌داند (همو، ۱۳۹۴ پ: ۶۴). چنین شخصی با این تفکر هرگز به دیگران به‌خاطر داشته‌هایش فخر نمی‌فروشد و متکبر نمی‌شود؛ زیرا تواضع حقیقی به این است که انسان باور داشته باشد از خود چیزی ندارد و آن را در عمل نیز نشان دهد.

تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۳۱

اگر تواضع در برابر دیگران منافات با عظمت خداوند بود، باید از آن دوری کرد؛ چون ضدارزش است. ارزش هرچیز از نگاه اسلام زمانی است که در مسیر بندگی خدا باشد. به همین دلیل تواضع در برابر دشمنان که ناسازگار با عظمت خداوند است، مذموم شمرده شده است. (همو، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

در حدیثی از امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال حسن بن جهم در مورد حد تواضع، به خوبی به تأثیر شناخت انسان از خود بر رفتار متواضعانه انسان با دیگران اشاره شده است: مَا حَدُّ التَّوَّاضُّعِ الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ، كَانَ مُتَوَاضِعًا؟ فَقَالَ: «التَّوَّاضُّعُ دَرَجَاتٌ، مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ، فَيَنْزِلَهَا مَنْزِلَتَهَا يَقْلِبُ سَلِيمًا، لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلَ مَا يُؤْتِي إِلَيْهِ، إِنْ رَأَى سَيِّئَةً. (کلینی، ۱۳۲۹ ق: ۳ / ۳۲۱) به راستی، کسی که خود را عین ربط و تعلق به مستقل مطلق بداند و به این حقیقت توجه داشته باشد که اصل هستی و خلاصه همه کمالات وجودی‌اش از آن خداست، همواره در برابر دیگران که آنها نیز عین فقر به خداوند متعال هستند، متواضع خواهد بود.

#### د) محترم شمردن فرودستان

فردی که توحید در خالقیت را بپذیرد و تمام توانایی‌ها و تفاوت‌ها را لازمه خلقت خداوند بداند، یقین پیدا می‌کند که خداوند انسان را به بهترین شکل آفریده است. چنین فردی می‌پذیرد که همه افراد چه فقیر و چه غنی، سیاه پوست یا سفیدپوست همگی مخلوق خداوند هستند و نزد خداوند از این جهت یکسان‌اند. چنین شخصی با این گرایش مسلماً در رفتار خود نیز تغییر می‌دهد و برتری را در مال و رتبه نمی‌داند، بلکه برتری را در تقوا دانسته و هیچ‌گاه فرودستان را حقیر نمی‌داند، بلکه آنها را محترم می‌شمارد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج: ۱۰۰)

بنابراین شخص معتقد به این درجه می‌رسد که خالق همه خداوند است و هر فردی را به گونه‌ای و برطبق حکمت خلق می‌کند. بنابراین هیچ‌گاه دیگران را به خاطر شکل ظاهریشان مسخره و تحقیر نمی‌کند؛ پس اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند که مردم نسبت به زیردستان خود به چشم حقارت نگاه نکنند و به آنها احترام بگذارند: «و لَا تَسْخَرْ مِنْهُ مَنْ هُوَ دُونَكَ». (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۹ / ۷۹) زیرا ملاک برتری در اسلام تقوا است نه شکل ظاهری و دارایی افراد.

#### نتیجه

با مطالعه منظومه فکری علامه مصباح یزدی روشن شد که اعتقادات هر فرد بر نگرش او تأثیرگذار است؛ زیرا رابطه‌ای طولی بین بینش‌ها و گرایش‌ها وجود دارد. بنابراین اعتقاد به توحید در خالقیت نیز

بر نگرش افراد اثرگذار است. فردی که معتقد به توحید در خالقیت باشد نگرش یکسان نسبت به همه افراد دارد و در نظرش فقیر و غنی یا سفیدپوست و سیاه‌پوست یکسان هستند؛ زیرا همه را مخلوق خداوند می‌داند. جهت‌دهی به لذات و تغییر در ارزش‌ها نیز از جمله نیز از تأثیرات نگرشی اعتقاد به توحید در خالقیت به‌شمار می‌رود.

تغییر در نگرش، گرایش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرایش به قرب خداوند و رفتارهای مثبت اجتماعی از جمله تأثیرات اعتقاد به توحید در خالقیت بر گرایش افراد است. به‌دنبال تغییر و تأثیر در نگرش و گرایش، اخلاق اجتماعی فرد نیز تغییر می‌کند. می‌توان اخلاق اجتماعی متأثر از اعتقاد به توحید در خالقیت را به سه دسته بینشی، گرایشی و رفتاری تقسیم کرد. مواردی از قبیل ترجیح خواست خداوند بر خواست دیگران، صبر در برابر حوادث، حکیمانه دانستن استعدادهای دیگران و محترم شمردن فرودستان در زمره اخلاق بینشی نشئت گرفته اعتقاد به توحید در خالقیت به‌شمار می‌روند. عفت و پاکدامنی و انقطاع از دیگران را می‌توان از جمله اخلاق‌های گرایشی این اعتقاد نام برد. اخلاق رفتاری که یکی از انواع اخلاق اجتماعی و متأثر از بینش و گرایش انسان است، با تحول در اعتقاد، تغییر می‌کند. اعتقاد به توحید در خالقیت نیز بر اخلاق اجتماعی انسان با واسطه بینش و گرایش تأثیرگذار است. از جمله اخلاق رفتاری متأثر از این اعتقاد می‌توان به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احسان و انفاق و تواضع اشاره کرد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. ابوحنان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰، *البحر المحيط فی التفسیر*، لبنان، دار الفکر.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
۳. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۴، *التوحید و الشرك فی القرآن الکریم*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة حیدریه.
۵. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
۷. فضل‌الله، محمدحسین، ۱۴۱۹، *من وحی القرآن*، لبنان، دار الملائک.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۲۹، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
۹. گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۰، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.



- تأثیر اعتقاد به «توحید در خالقیت» بر اخلاق اجتماعی از منظر علامه مصباح یزدی □ ۱۳۳
۱۰. مصباح، مجتبی، ۱۳۹۷، *فلسفه اخلاق: سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۴*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰ الف، *آیین پرواز*، تلخیص جواد محدثی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۲. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰ ب، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۳. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، *آموزش فلسفه*، ج ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۴. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، *به سوی تو*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴ الف، *به سوی خودسازی*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۶. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۴ ب، *راهیان کوی دوست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۷، *نظریه حقوقی اسلام*، ج ۱، تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری قمی و محمدمهدی کریمی‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۸. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸، *رستگاران*، نگارش محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۱۹. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۹، *قرآن در آیینة نهج البلاغه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ الف، *به پیشواز خورشید غرب*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ ب، *پندهای امام صادق علیه السلام*، نگارش محمدمهدی نادری قمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۲. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۱ ج، *صهباي حضور*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۳. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۲، *رابطه علم و دین*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۴. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۳، *انسان‌سازی در قرآن*، تنظیم و نگارش محمود فتحعلی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
  ۲۵. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۳، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۱۳۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، دوره ۱۵، زمستان ۱۴۰۱، ش ۵۸

۲۶. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ الف، *اخلاق در قرآن (ج ۱ و ۲ و ۳)*، نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۷. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ ج، *پندهای الهی*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ د، *در پرتو ولایت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۹. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۴ ب، *پند جاوید*، نگارش علی زینتی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۶، *رهنوشه*، نگارش کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۱. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۷، *آفتاب مطهر*، نگارش غلامرضا گلی زواره، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۲. مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۸، *خداشناسی (معارف قرآن ۱)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۳. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.